



Record of Deeds in Sadrian System of Philosoph

Ali Reza As'adi*

Received: 14/01/2017 | Accepted: 09/06/2017

Abstract

One of the religious teachings in eschatology is the records of deeds which, according to Quranic verses and traditions, include all man's deeds, intentions, and beliefs, and will be given to our left or right hand in the resurrection day, depending on their contents and types. Since such records cannot be a kind of worldly book and notebook, Muslim scholars have encountered the question of what is the reality and nature of these records. Mulla Sadra's philosophical explanation about the records of deeds which regards man's soul and heart as their reality is one of the important answers given to the question. Referring to different views about the records of deeds, the present paper discusses Mulla Sadra's philosophical explanation and explains its foundations and outcomes. Then it shows that such an explanation not only suffers from some ambiguities in terms of its internal correspondence with Sadrian system of philosophy, but also necessitates some contemplation about its correspondence with religious teachings.

Keywords:

record of deeds, resurrection, Mulla Sadra, embodiment of actions, transcendent philosophy.

* Assistant professor of Islamic sciences and culture academy | Asady50@gmail.com



نامه عمل در نظام حکمت صدرایی

علیرضا اسدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹

چکیده

از آموزه‌های دینی در حوزه معاوشناسی نامه عمل است که براساس آیات و روایات در بردارنده همه اعمال، نیت‌ها و باورهای انسان است و در قیامت بسته به نوع آن‌ها از سمت راست یا چپ به او داده می‌شود. با توجه به این که این نامه نمی‌تواند از سخن کتاب و دفتر دنیوی باشد، دانشمندان مسلمان با این پرسش رویه رو شده‌اند که حقیقت نامه عمل چیست. یکی از پاسخ‌های مهم به این پرسش، تبیین فلسفی حکیم الهی ملاصدراست که حقیقت نامه عمل را روح و قلب انسان می‌داند. این مقاله، ضمن اشاره به دیدگاه‌های گوناگون در باب نامه عمل، به گزارش تبیین فلسفی ملاصدرا و بیان مبانی و نیز ثمرات تبیین او می‌پردازد و سپس نشان می‌دهد که این تبیین نه تنها از حیث سازگاری درونی با نظام فلسفه صدرایی از ابهاماتی برخوردار است، از جهت همخوانی با آموزه‌های دینی نیز با تأملاتی رو به روست.

کلیدواژه‌ها

نامه عمل، معاد، ملاصدرا، تجسس اعمال، حکمت متعالیه.

مقدمه

یکی از مراحل حسابرسی در قیامت، ارائه پرونده اعمال به انسان است. بر اساس آیات و روایات تمام اعمال و رفتار، سخنان، حرکات و حتی نیت‌های انسان ثبت و ضبط می‌شود:

انا نحن نحي الموتى و نكتب ما قدموا و آثارهم و كل شئ احصيناه فى امام مبين؛
به يقين ما مردگان را زنده می کنیم و آن چه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را
می نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکارکننده‌ای برشمرده‌ایم (سوره یس، آیه ۱۲).

بر اساس برخی آیات نه تنها اعمال و تایج آن‌ها، بلکه اندیشه‌ها و تدبیرهای نیمه شب ما نیز ثبت و ضبط می‌شود (سوره نساء، آیه ۸۱). هم‌چنین فرشتگان خداوند هر سخنی را که انسان بر زبان آورد و حتی اسرار نهانی و نجواهای او را می‌نویستند (سوره ق، آیه ۱۷-۱۸ و سوره زخرف، آیه ۸۰) و از هیچ کوچک و بزرگی فروگذار نمی‌کنند (سوره کهف، آیه ۴۹).

حاصل آن که بر اساس آیات قرآن کریم همه اعمال انسان در مجموعه‌ای گردآوری می‌شود و در قیامت خداوند در مقام احتجاج با انسان، آن را در مقابل او می‌نهد و از او می‌خواهد تا خود در مورد خودش داوری کند: «إِنَّا كُتبَكُمْ كُفَيْ بِنَفْسِكُمْ يَوْمَ عَلَيْكُمْ حِسْبٌ إِنَّمَا مَوْلَانَا رَبُّكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (سوره کهف، آیه ۴۹).

بی‌شك نامه عمل که در قرآن کریم از آن به کتاب (سوره اسراء، آیه ۱۳؛ سوره کهف، آیه ۴۹)؛ زُبُر (سوره قمر، آیه ۵۲)؛ طائر (سوره اسراء، آیه ۱۳)؛ صحُف (سوره تکویر، آیه ۱۰) نیز تعبیر شده است؛ از سخن کتاب و دفتر دنیوی نیست و چنین نیست که ثبت و ضبط رفتارهای انسان از راه نوشتن صورت پذیرد؛ زیرا در این صورت، کتابی که در بردارنده اعمال عمر یک شخص است کتابی بسیار پر حجم خواهد بود که به آسانی قابل مطالعه نیست، در حالی که بر اساس روایات، اعمال انسان در نامه عمل چنان ثبت است که با نگاهی می‌توان بر آن آگاهی یافت.

افرون بر این، دست‌نوشته‌ها در دنیا ممکن است از سوی نویسنده انکار شود، ولی خطوط نامه عمل قابل انکار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۸۲). بنابر این، این پرسش مطرح می‌شود که حقیقت نامه عمل چیست. مفسران و متکلمان در تفسیر آن اختلاف نظر دارند. علامه طباطبائی با استشهاد به، آیه ۳۰ سوره آل عمران که می‌فرماید: «يَوْمَ تَبَدَّلُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مَحْضُراً وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» بر این باور است که نامه اعمال در بردارنده حقایق اعمال

انسان است نه خطها و نوشه‌هایی که طبق قرارداد و اصطلاح، بر مفاهیم معینی دلالت دارند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ص ۵۵).

نظریه دوم این است که نامه اعمال، آثار تکوینی اعمال انسان است که در آخرت آشکار می‌شود. طبق این تفسیر، اعمال همان گونه که در درون جان انسان اثر می‌گذارد در عالم بیرون و در فضا و هوای اطراف، در زمینی که بر آن زندگی می‌کند و بلکه در همه چیز اثر دارد و گویندی بر آن‌ها نقش می‌بندد. نقوش طبیعی و غیرقابل انکاری که به وسیله قوا و نیروهای عالم هستی و فرشتگان در دل این موجودات ثبت می‌شود و در قیامت با برداشته شدن پرده‌ها، آشکار می‌شوند. این آثار از تمام محیط بیرون جمع آوری می‌شود و به صورت فشرده به فاعل آن اعمال داده می‌شود و با یک نگاه در آن می‌توان حال آن شخص را یافت؛ نظری فسیل‌ها و سنگواره‌هایی که از جانداران میلیون‌ها سال قبل به جای مانده و نه تنها شکل آن‌ها را ترسیم می‌کند که بسیاری از حقایق زندگی آن‌ها را می‌توان از این سنگواره‌ها و فسیل‌ها دریافت و در واقع، سنگ‌های زمین، نامه اعمال و اشکال آن حیوانات است، اما با خطوطی نوشته شده است که برای هیچ کس قابل انکار نیست.

باید توجه داشت که تعبیر «خواندن» نیز که در مورد نامه اعمال به کار رفته است، مفهوم وسیعی دارد که هرگونه مشاهده را در معنای وسیعیش در بر می‌گیرد، نظری «در چشم‌های تو این تصمیم را خواندم». چنان‌که در مورد عکس‌های رادیولوژی نیز تعبیر خواندن به کار می‌رود. براساس این نظریه هرچند به طور قطع نمی‌توان گفت که نامه عمل در قیامت این گونه است؛ زیرا ما از قیامت و مسائل مربوط به آن تنها شبیه می‌یابیم، ولی از پاره‌ای جهات اثر طبیعی بودن می‌تواند همانند آن باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۵-۵۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۸۳-۸۵).

بر اساس سومین نظریه در این مسئله، نامه عمل، ضمیر باطن یا وجودان مخفی انسان است. چنان‌که در روان‌شناسی به اثبات رسیده که اعمال انسان در وجودان مخفی یا شعور ناگاه او اثر می‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۸۵).

نظریه چهارم، نامه عمل را کنایه از قلب و روح انسان می‌داند که آثار اعمال او در آن نقش می‌بندد. این نظریه که ملاصدرا نیز در آثار خود به آن پرداخته است، موضوع این مقاله است که در ادامه، ضمن تبیین بیشتر نظریه ملاصدرا و بیان مبانی و مقدمات و نیز آثار و ثمرات این نظریه، آن را بررسی و نقد خواهیم کرد.

حقیقتِ نامه عمل

ملاصدرا نامه اعمال را از جمله مواطن و موافق قیامت شمرده و در موضع متعددی به تبیین دیدگاه خود در این مسئله پرداخته است. او قلب و روح هر انسانی را کتاب و نامه عمل او می‌داند و در بیان حقیقت آن چنین توضیح می‌دهد که افعال و سخنان و هر چیزی که حواس ما در این دنیا با آن برخورد می‌کند نظر شنیدنی‌ها، دیدنی‌ها، بوییدنی‌ها و... اثری در نفس ما می‌گذارند و حالتی قلبي پیدا می‌شود که مدت زمانی باقی می‌ماند. این آثار به تدریج پدید می‌آیند و در نفس جمع شده و از حال به ملکه تبدیل می‌شوند. از آن جا که اشتداد در کیفیت به حصول صورتی جوهری منتهی می‌شود که آن صورت مبدأ پیدایش نظری همان کیفیت می‌گردد، کیفیات نفسانی وقتی شدّت پیدا می‌کنند، ملکه‌ای راسخ یعنی صورتی نفسانی حاصل می‌شود که دارای آثار مخصوص به آن کیفیات است و به سبب آن صورت به آسانی فعل مناسب با آن از او صادر می‌گردد. آثاری که در قلب و روح انسان پدید می‌آید به منزله نقش‌ها و نوشته‌های حاصل در مکتوبات و نامه‌های است. ملاصدرا با استشهاد به آیه شریفه «اولئک کتب فی قلوبهم الایمان» (سورة مجادله، آیه ۲۲) تأکید می‌کند که در زبان شریعت به قلوب و ارواح نامه عمل اطلاق شده است. این نقش و نگارها از دیدگاه ملاصدرا افزون بر قابل و پذیرنده که همان روح و قلب انسان است، فاعلی نیز می‌خواهد و آن کرام الکاتبین است که به دلیل منزه بودن ذات و فعل آن‌ها از ویژگی‌های اجسام و مواد طبیعی، به این نام خوانده شده‌اند.

کرام الکاتبین فرشتگانی هستند که اعمال و سخنان بندگان را ثبت و ضبط می‌کنند: «ان عليکم لحافظین کراماً کاتبین» (سورة انفطار، آیه ۱۰-۱۱). این فرشتگان دو دسته‌اند: ملائکه یمین و ملائکه شمال که به دستور خداوند اعمال را از جانب راست و چپ مثبت می‌کنند. کسانی که نامه عمل آن‌ها از جنس علوم و اعتقادات صادق و اخلاق حسن است، از سمت راست و کسانی که نامه عمل آن‌ها از جنس اکاذیب باطل و صفات شیطانی و شهوات حیوانی و ریاسات دنیوی است، از سمت چپ آن را دریافت می‌کنند. نامه عمل دسته دوم چون مشتمل بر دروغ و غلط و هذیان است، سزاوار سوختن با آتش است.

با این وصف، هر عملی را که انسان انجام دهد، هرچند کوچک، چه خیر باشد و چه شر، اثر آن را مشاهده خواهد کرد که در صحیفه ذات او یا صحیفه‌ای برتر از آن که مراد از آن علل ما هستند، برجای

مانده است؛ یعنی در مراتب علمی صور بالاتر از ما نیز نوشته می‌شود و آن‌ها هم به اعمال ما عالم می‌شوند. چنانکه خداوند می‌فرماید: «فِي الصَّحْفِ مَكْرُمَةً مَرْفُوعَةً مَطْهَرَةً...» (سوره عبس، آیه ۱۴-۱۳). ملاصدرا پس از این توضیحات، تصریح می‌کند که ظهور آثار اعمال انسان در نفس به معنای نشر کتب است؛ زیرا با مرگ پرده‌ها کنار می‌رود و آن چه از او غایب بود آشکار می‌گردد. آیه شریفه «و إِذَا الصَّحْفُ نُشِرتُ» (سوره تکویر، آیه ۱۰)، اشاره به این حقیقت است که انسان با کنار رفتن پرده‌ها به باطن خود و صحیفه قلبش توجه می‌کند و همه چیز برای او آشکار می‌گردد. کسی که در دنیا از ذات خود غافل بوده با تعجب می‌گوید: «مَا لَهُنَا كِتَابٌ لَا يَغْدِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَيْهَا وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يُظْلَمُ رِبُّ أَحَدًا» (سوره کهف، آیه ۴۷). (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۰-۲۹۱).

بخش عمده‌ای از مطالب ملاصدرا ذیل بحث نامه عمل در اثبات این مدعای اوست که اعمال، اخلاق و سخنان انسان در نفس او تأثیرگذار است. او در مواضع متعددی آیه شریفه «إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ» (سوره هود، آیه ۴۶) را که خداوند در آن به فرزند نوح اشاره دارد و نیز روایت «خَلَقَ اللَّهُ الْكَافِرُ مِنْ ذَنْبِ الْمُؤْمِنِ» را شاهد مدعای خود مبنی بر تأثیر اعمال در نفس شمرده و تأکید می‌کند که در قرآن کریم آیات بسیاری دلالت می‌کند که آن چه در آخرت به انسان می‌رسد، جز غایت افعال و صور اعمال و آثار ملکات او نیست و جز اتها خود عمل است: «وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كَتَمْتُ تَعْمَلُونَ» (سوره یس، آیه ۵۴)، «إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كَتَمْتُ تَعْمَلُونَ» (سوره تحریم، آیه ۷۷) و نفرمود: ماما کتم تعلمون.

ملاصدرا در توضیح این مطلب می‌نویسد که مواد سازنده بات، حیوان و انسان عناصرند؛ برای مثال، ما در دنیا آب می‌نوشیم و آب از عناصر ساخته شده است، اما مواد اشخاص اخروی و متعلقات آن‌ها و آن چه به منزله بذر درختان و نطفه حیوانات و هیولا برای عقلیات است، تصورات باطنی، تخیلات نفسانی و تأملات فکری و عقلی است؛ زیرا سرای آخرت و آن چه در آن است از جنس دنیا نیست. آن چه در دنیاست، ماده‌ای جسمانی دارد که صورتی یا نفسی از خارج و به کمک اسباب خارجی یا اوضاع و حرکات فلکی بر آن عارض شده است و اجسام حیوانی آن‌ها حیاتی عرضی دارد. در حالی که بهشت‌ها و درختان و... که در آخرت وجود دارد خودشان بعینه صورت‌های معلق قائم به ذات هستند که حیات آن‌ها ذاتی آنهاست و هر نفس انسانی با همه آن چه به آن تعلق دارد نظیر حوریان، قصرها، درختان و... همه به وجود واحدی موجودند و به

حیات واحدی زنده‌اند. و همه آن‌ها – به رغم وحدت شخصی – متکثر الصورند. وقتی انسان از دنیا جدا شد و این پرده‌ها برداشته شد، چشم او تیز می‌گردد و کتاب نفس خویش را می‌خواند «نک: سوره ق، آیه ۲۲ و سوره هود، آیه ۴۶».

به عقیده ملاصدرا، از جمله دلایل این‌که انسان موجود در آخرت از ماده طبیعی پدید نیامده، بلکه از صورت نفسانی ادراکی پدید آمده است، آیات شریفه «و تنشکم فی مالاتعلمون: و شما را به صورتی که اکنون از آن بی خبرید بر می‌انگیزانیم» (سوره واقعه، آیه ۶۱) و «ان کتاب الابرار لفی علیین؛ امروز نکوکاران عالم با نامه اعمالشان در بهشت علیین روند» (سوره مطففين، آیه ۱۸) است. روشن است که آن‌چه در علیین است از ماده جسمانی آفریده نشده است. پس انسان در قیامت از معلوم و معتقد خود تکون یافته است اگر معلوم او از باب شهوت مذموم و آرزوهای باطل و هواهای فاسد باشد، از اهل آتش است و اگر از باب امور قدسی و معرفت الهی و فرشتگان و کتب و پیامبران آسمانی باشد، قطعاً او از اهل ملکوت اعلیٰ خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۰-۲۹۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۶-۳۰ و ج ۷، ص ۴۴۶-۴۴۱؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰، ص ۲۴۶-۲۵۰).

نحوه اعطای نامه عمل

ملاصدرا بر اساس آیات قرآن، نحوه اعطای نامه اعمال به انسان‌ها را در ارتباط مستقیم با صاحب نامه می‌شمارد. اگر صاحب نامه، مؤمن باشد نامه عمل او از بالا (علیین) و به دست راست او داده می‌شود و اگر شقاوتمند باشد، نامه عمل او از سجين و به دست چپ او داده می‌شود. نامه عمل مؤمن در بردارنده علوم، اعتقادات صادق و اخلاق حسته است که مناسب با مقام علیین است و از سویی دست راست (همانند عالم معقولات) قوی‌تر است. از این‌رو، مؤمن نامه عمل خود را از بالا و با دست راست تحويل می‌گیرد. در تیجه، تناسب محفوظ است. در مورد شقاوتمندان قضیه درست بر عکس است، یعنی نامه عمل آن‌ها از جنس دروغ‌های باطل، صفات شیطانی و شهوت حیوانی و ریاسات دنیوی است و از این‌رو، از سجين و به دست چپ آن‌ها داده می‌شود و در تیجه در اینجا هم تناسب محفوظ است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۲؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۵).

وی در ضمن بیان موافق قیامت نیز به مسئله نامه اعمال پرداخته است و انسان‌ها را با الهام از آیات قرآن کریم به سه گروه تقسیم کرده است. یک دسته مؤمنان‌اند که نامه عمل خود را از سمت

راست دریافت می‌کنند. (اصحاب یمین) دسته دیگر منافقان اند که نامه را از سمت چپ دریافت می‌کنند. (اصحاب شمال) دسته سوم کفارند که نامه عملی ندارند. او معطله، مشرکان و منکران متکبر را نیز در حکم کافر مطلق داخل می‌داند و تأکید می‌کند که منافق نیز در حققت داخل یکی از همین اقسام است و صورت اسلام برای او سودی ندارد (ملاصdra، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۱۴؛ ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۸۲).

ملاصdra در موارد دیگری دسته‌بندی‌های متفاوتی را از گروه‌های انسانی در قیامت به دست داده است از جمله با الهام از آیه شریفه «وَكَتَمْ أَزْواجًا ثَلَاثَةٍ...» (سورة واقعه، آیه ۷)، آن‌ها را به اصحاب یمین، اصحاب شمال و مقربان تقسیم کرده است (ملاصdra، ۱۴۲۰، ص ۲۵۳). در مواردی نیز با تقسیم هر یک از این سه گروه، آن‌ها را به شش یا هفت گروه افزایش داده است (ملاصdra، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۳۸ و ج ۱، ص ۳۷۸؛ ملاصدرا، ۱۴۲۲، ص ۴۵۹). او همچنین در موضوعی دیگر انسان‌ها را در قیامت براساس تفاوت در اعمال، اخلاق، ملکات و اعتقادات، بر چهار دسته می‌داند که هر یک به صورتی خاص نامه عمل خویش را دریافت می‌کنند. این چهار دسته عبارت اند از:

۱. اهل برهان و بقین؛ یعنی کسانی که تصورات عقلی و تاملات قدسی و انجام خیرات و طاعات در آن‌ها غالب است. کتاب این افراد در علیین است: «ان کتاب الابرار لغی علیین...» (سورة مطففين، آیه ۲۱).

۲. اهل سلامت و حسن ظن به پروردگار؛ یعنی کسانی که انجام خیرات و حسنات و سلامتی از امراض نفسانی و مبادی گناه در آن‌ها غالب است (نک: سورة واقعه، آیه ۹۱ و سوره حafe، آیه ۲۰-۱۹). این‌ها اصحاب یمین هستند و کتاب خود را از سمت راست دریافت می‌کنند: فاما من اوتی کتابه یمینه فيقول هاءوم اقرئوا كتابیه» (سورة حafe، آیه ۲۵).

۳. اهل شک، انکار، نفاق و عداوت با اهل خدا؛ یعنی تکذیب کنندگان روز قیامت: «کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون» (سورة مطففين، آیه ۱۴). این‌ها منافقان فاجری هستند که به رغم داشتن استعداد کشف حقیقت و بررسی آن، به دلیل قلب مریض شان آن را پنذیرفته و پشت سر اندخته‌اند. از این‌رو، نامه‌های آن‌ها از پشت سر به آن‌ها داده می‌شود: «و اما من اوتی کتابه وراء ظهره فسوف يدعو ثبوراً و يصلی سعیراً» (سورة انشقاق، آیه ۱۲-۱۰). ملاصدرا در ادامه، تأکید می‌کند که منافق در قیامت کتابی ندارد؛ زیرا کتاب او همان است که آن را

پشت سر انداخته است و تنها شیطان قرین و همراه اوست: «و من يعش عن ذكر الرحمن
نقيض له شيطانا فهو له قرين» (سورة زخرف، آیه ۳۶).

۴. اهل جهل و تاریکی که با آتش شهوات خود می سوزند و بر قلوبشان مهر زده شده است:
«ختم اللہ علی قلوبہم و علی سمعہم و علی ابصارہم قشاوۃ» (سورة بقره، آیه ۷). کتاب این
عده در سجين است: «ان کتاب الفجار لفی سجين» (سورة مطففين، آیه ۷). جهال و
 مجرمان، سر به زیر دارند و همان اصحاب شمال اند که کتاب خود را از سمت پایین دریافت
می کنند (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۳۸-۴۴۱).

ملاصدرا پس از بیان چگونگی اعطای نامه‌های اعمال در قیامت با الهام از آیات قرآن کریم
یادآوری کرده است که همه این کتاب‌ها و صحائف از اصل مقدس و بزرگی استنساخ می‌شود و
این‌ها فروع آن اصل و ابواهی برگرفته از آن اند. به عقیده او آن اصل که ام النسخ و امام کتب است،
کتابی عقلی است که همه صور ممکنات به صورت اعلی و برتر در آن هست و به جز مطهرون و
عقلوں که از پلیدی‌های عالم حواس و وهم و وسواس منزه‌اند به آن راه ندارند. از این‌رو، در قرآن
پس از اشاره به نامه‌های اعمال اصحاب شمال می‌فرماید: «و كل شئ احصيأه في امام مبين»
(سورة یس، آیه ۱۲). در ابتدا همه حقائق اشیاء در آن نوشته شده است سپس علوم به صورت
تفصیلی از آن متفرق می‌شود. امام میان همان لوح محفوظ و لوح قضای الهی است. و چنانکه
قرآن کریم می‌فرماید مفاتیح غیب و خزانی علوم و معارفی که مربوط به حوادث گذشته و آینده
است، نزد او است: «و عنده مفاتح الغیب...» (سورة انعام، آیه ۵۹) و «ان من شئ الا عندنا
خزائنه(سورة حجر، آیه ۲۱)» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۵-۳۶).

مبانی

نظریه ملاصدرا در تبیین نامه عمل بر مبانی وجودشناختی و انسان‌شناسی متعددی استوار است که
در زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:
تجرد نفس و رابطه تأثیر و تأثری آن با بدن: ملاصدرا همچون دیگر حکماء اسلامی، انسان را
موجودی دوساختی می‌داند که ساحت نفس او از تجرد برخوردار است. نفس مجرّد به بدن وابسته

است و این رابطه و وابستگی امری است که به ادعای فلاسفه، همگان آن را به خوبی می‌یابند و نیازمند اثبات برهانی نیست. همهٔ متأثیر آلام روحی را در بدن و آزرسگی روح را به سبب مشکلات بدنی می‌یابیم. ملاصدرا از همین مقدمه در تبیین خود از نامه‌عمل بهره گرفته است. او در آغاز تأکید می‌کند که هر عملی در نفس تأثیر می‌گذارد و تکرار عمل اندک اندک موجب پیدایش هیأتی راسخ در نفس می‌گردد و همین امر نقطهٔ آغاز تبیین ملاصدرا از نامه اعمال قرار گرفته است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج. ۹، ص. ۲۹۰-۲۹۱).

اتحاد عالم و معلوم: از جمله مبانی‌ای که ملاصدرا در این تبیین از آن بهره گرفته است، اتحاد عالم و معلوم است که در حکمت متعالیه صدرایی به اثبات رسیده است. ملاصدرا آن‌جا که به بیان مواد اشخاص اخروی می‌پردازد بر این نکته تأکید دارد که انسان در قیامت از معلوم و معتقد خود تکون یافته است، اگر معلوم او از باب شهوت مذموم و آرزوهای باطل و هواهای فاسد باشد از اهل آتش است و اگر از باب امور قدسی و معرفت الهی و فرشتگان و کتب و پیامبران آسمانی باشد، قطعاً او از اهل ملکوت اعلیٰ خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج. ۹، ص. ۲۹۰-۲۹۶؛ ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص. ۳۶۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص. ۲۰۵؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰، ص. ۲۴۹ و ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص. ۶۵۰). این بیان ملاصدرا در اینجا به سخن او در باب علم و عالم و معلوم باز می‌گردد و بر همان اساس استوار است و باید توجه داشت که چون نظریهٔ اتحاد عالم و معلوم بر نظریهٔ حرکت جوهری نفس مبتنی است، تبیین ملاصدرا از نامه‌عمل را نیز می‌توان بر نظریهٔ معروف او یعنی حرکت جوهری مبتنی دانست.

تفاوت ماهوی دنیا و آخرت: چنان‌که گذشت، ملاصدرا در تبیین و توضیح تکوینی بودن جزای اعمال در آخرت بر این مطلب تأکید کرد که مواد سازندهٔ اشخاص دنیوی عناصرند، در حالی که مواد اشخاص اخروی و متعلقات آن‌ها تصورات باطنی، تخیلات نفسانی، تاملات فکری و عقلی است. او این مدعایاً را بر تفاوت و ناهمجنس بودن دنیا و آخرت استوار ساخته است. به عقیدهٔ ملاصدرا بهشت‌ها، درختان، حورها، قصرها و دیگر آن‌چه در آخرت است صورت‌های معلم قائم به ذات‌اند که دارای حیاتی ذاتی‌اند و نفس انسانی با همهٔ متعلقاتش به وجود واحد شخصی موجود است وجودی که در عین حال از تکثر صور برخوردار است و با کنار رفتن پرده‌ها چشم‌ها تیز و کتاب نفس هر کس برای او آشکار می‌گردد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج. ۹، ص. ۲۹۵).

بنابراین در تبیین صدرایی از نامه‌عمل تفاوت دنیا و آخرت و اقتضائات خاص هر یک مسلم و

پیش فرض انگاشته شده است. شاید از همین رو او تأکید می کند که در دنیا فعل مقدم بر ملکه و در آخرت ملکه مقدم بر فعل است(ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹).

وحدت حقیقت ملک و شیطان با ملکه

از جمله مقدماتی که ملاصدرا در بحث نامه اعمال به آن تصریح کرده و مبنای استشهاد به آیات و روایات برای تأیید تبیین او در مسئله نامه عمل است، یکی دانستن حقیقت ملکه با ملک و شیطان است. چنانکه او تأکید می کند هیئت‌های راسخ در نفس را در عرف حکمت، ملکه و در لسان شریعت، ملک و شیطان (به ترتیب در جانب خیر و شر) می نامند. به عقیده ملاصدرا حقیقت هر دو یکی است؛ زیرا آن چه برای ما اثبات شده، این است که ملکات نفسانی به صورت‌های جوهری و ذوات قائم و فعل در نفس تبدیل می شوند. او بر این مدعای آیات و روایاتی نیز استشهاد می کند. از جمله شواهد او عبارت‌اند از آیات شریفه: «ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل عليهم الملائكة ان لا تخافوا...» آنان که گفتند پروردگار ما محققا خداوند و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان بر آنان نازل شوند که دیگر هیچ ترس و اندوهی ندارید(سورة فصلت، آیه ۳۰)؛ «هل انبثكم على من تنزل الشياطين تنزل على كل افاك اثيم» آیا می خواهید من شما را آگاه سازم که شیاطین بر چه کسانی وارد می شوند(سورة شعرا، آیه ۲۲۱-۲۲۲)؛ «و من يعيش عن ذكر الرحمن نقىض له شيطانا فهو له قرين»(سورة زخرف، آیه ۳۶). ملائکه و شیاطین در این دو آیه به معنای ملکه‌اند که از تکرار اعمال نیک و اعمال بد پیدا می شوند.

شاهد بعدی این حدیث شریف است که «من عمل حسنہ کذا یخلق الله منها ملکا یستغفر له الى يوم القيمة». بر اساس این روایت هر عمل حسنہ‌ای که انجام دهیم خداوند از آن فرشته‌ای می آفریند که تا قیامت برای ما استغفار می کند. ملاصدرا پس از بیان این شواهد می نویسد «این مبدئی که نفس‌ها را به خیر یا شر بر می انگیزاند نزد حکما ملکه و در زبان شریعت ملک یا شیطان نامیده می شود» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۴۳).

ثمرات و نتایج

تبیین فلسفه خلود: به عقیده ملاصدرا تنها بر اساس این مبنای که ملکات از ثبات و تعجّل ابدی

برخوردارند خلود اهل بهشت و جهنم را می‌توان تبیین کرد؛ زیرا اعمال و سخنان، اموری زوال پذیرند. اگر این دو منشأ ثواب و عذاب دائمی باشند مستلزم این امر نادرست است که به رغم از بین رفتن علت، معلول باقی بماند. افزون بر این امری که در زمانی متناهی رخ داده نمی‌تواند موجب ثواب یا عذابی نامتناهی شود. در نتیجه خلود اهل بهشت در بهشت و اهل جهنم در آتش به سبب ثبات در نیات و رسوخ در ملکات است (ملاصdra، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۳؛ ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۳ و ج ۷، ص ۴۴۳؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰، ص ۲۴۷-۲۴۸).

تبیین عدل جزایی خداوند: از جمله مهم‌ترین اشکالات مطرح در مسئله افعال الهی، تطابق جزا و پاداش با اعمال انسان و تبیین چگونگی رعایت عدالت در کیفر یا پاداش هاست. اگر کیفر و پاداش الهی اموری قراردادی باشند این اشکال رخ می‌دهد که چگونه ممکن است و چرا باید انسان به دلیل ارتکاب برخی گناهان به طور دائم کیفر و عذاب اخروی را تحمل کند. آیا این عدالت است که شخصی به دلیل انجام عملی معین و محدود به زمان و مکانی خاص، برای همیشه دچار عذاب شود. در حالی که خداوند تصریح می‌کند که «و ما انا بظلام للعیید» (سوره ق، آیه ۲۹). برای پاسخ به این اشکال راه حل‌های متعدد و متفاوتی و از جمله راه حل مبتنی بر تکوینی بودن کیفر و عقاب الهی ارائه شده است. تبیین ملاصدرا نیز از همین دسته راه حل‌هاست. بنابراین اگر این تبیین پذیرفته شود می‌توان به کمک آن یکی از مشکلات مهم در باب افعال الهی را با آن حل و فصل کرد.

سنجدش و ارزیابی

نظریه ملاصدرا در تبیین نامه عمل از دو زاویه قابل بررسی است. نخست از جنبه سازگاری یا ناسازگاری با دیگر ابعاد اندیشه‌های فلسفی او و دوم از حیث سازگاری یا ناسازگاری آن با آموزه‌های دینی. در زیر به تفکیک به بررسی نظریه ملاصدرا از این دو حیث می‌پردازیم.

الف) نقد درونی: سازگاری / ناسازگاری درونی

تبیین ملاصدرا از نامه عمل نیازمند راست‌آزمایی با نظام فکری و بهویژه نظام انسان‌شناسی است.

نگاهی اجمالی به آرا و اندیشه‌های او در مباحث انسان‌شناختی و سعادت و شقاوت انسان نشان می‌دهد که او با تأکید بر نقش علم و عمل در استكمال و سعادت انسان، نفس را برای صورت‌های علمی همچون ماده می‌داند از این‌رو، این علوم و اعتقادات انسان هستند که حقیقت وجودی انسان را تشکیل می‌دهند. انسان وقتی به حد عقل بالفعل رسید چه به لحاظ عقل عملی به کمال رسیده باشد یا خیر، از ماده و حرکت منزه است. کیفیت شقاوت و سعادت در بعد عملی نیز به این صورت است که انجام اعمال موجب تحقق هیاتی برای نفس می‌شود عبادات و طاعات موجب تحقق هیئت استعلایی برای نفس و گناهان و معاصی موجب تحقق هیئت انقیادی برای آن است. انسان تا در دنیا است آثار این هیئت‌ها را ادراک نمی‌کند، ولی پس از مرگ وجود این هیأت‌ها موجب ادراک درد و عذاب می‌شود. البته، چون این هیأت از حقیقت نفس به دور است عذاب‌ها موقت است و از بین خواهد رفت.

اکنون با توجه به همین رویکرد در استكمال انسان و نیز با توجه به آن چه در مبحث نامه عمل به آن اشاره کرده است می‌توان به موارد متعددی از ناهماهنگی در اندیشه صدرایی بپرسید:

۱. موضوع نامه عمل، دست کم در تبیین صدرایی از آن، همان‌طور که از بیان خود او نیز برداشت می‌شود، با مسئله ملاک کیفر و پاداش اخروی ارتباط وثیق دارد. اگر عذاب و پاداش اخروی را تکوینی بدانیم و نه قراردادی، ملاک کیفر و پاداش اخروی را می‌توان به دو صورت تصویر کرد و هر دو صورت طرفدارانی نیز دارد و در عبارات ملاصدرا نیز آمده است:
 - الف. ادراک صور باطنی و ملکوتی اعمال: براساس این نظریه هر عملی را که انسان در این دنیا انجام می‌دهد ظاهری دارد و باطنی. باطن اعمال به دلیل تعلقات دنیوی‌مان از ما پنهان است اما پس از مرگ و بهویژه در آخرت پرده‌ها کنار می‌رود و حقیقت آن‌ها مشاهده می‌شود. و همین عذاب و ثواب اخروی انسان‌ها را شکل می‌دهد. نظیر حرام‌خواری که شخص حرام‌خوار در همین دنیا آتش می‌خورد، ولی پرده‌ها مانع ادراک این حقیقت‌اند و از این‌رو، از حرام‌خواری به ظاهر لذت می‌برد در حالی که حقیقت آن عذاب است. براساس این نظریه حقیقت ثواب و عقاب دریافت خود اعمال و تجسم آنهاست. چنانکه در مسئله عذاب قبر، یکی از تبیین‌های ملاصدرا بر همین مبنای استوار است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۲۰).
 - ب. انشاء عذاب و پاداش از سوی نفس: براساس این نظریه با تکرار اعمال، در نفس انسان

ملکاتی شکل می‌گیرد که این ملکات به صورت‌های جوهری تبدیل می‌شوند و عذاب یا ثواب را ایجاد می‌کنند. تحقق ملکات نفسانی موجب انشای حقیقت‌های دردآور یا لذات آور از سوی نفس می‌گردد. براین اساس عذاب و ثواب از آثار و ساخته ملکات نفسانی است که البته، این بروز فعلیت و خالقیت در پی جدایی از بدن و رهایی از قفس و زندان عالم ماده است (ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۲۹۳؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۳).

اکنون به نظر می‌رسد نظریه ملاصدرا در بحث نامه عمل از این حیث که بر کدام یک از این تبیین‌ها استوار است ابهام دارد؛ زیرا عبارات او میان این دو نظریه مردد است. چه بسا در نگاه نخست احتمال جمع میان این دو نظریه به ذهن رسید اما باید یادآور شد که اگر جمع به معنای تفکیک در اعمال باشد به این صورت که عذاب و پاداش برخی از اعمال بر اساس نظریه نخست و برخی دیگر بر اساس نظریه دوم اعطا می‌شود، این تفکیک نه ملاک روشی دارد و نه شواهد قابل قبولی می‌توان به سود آن اقامه کرد، اما جمع به این معنا که هر عملی هر دو نوع پاداش یا عذاب را در برداشته باشد، پذیرفتی نیست؛ زیرا اگر این امر مراد بود اولاً می‌بایست به آن تصریح می‌شد در حالی که عبارات ملاصدرا مردد میان دو طریق. ثانیاً کیفر و پاداش بر اساس ملاک دوم در عبارات ملاصدرا تنها در حوزه اعمالی مطرح شده که به صورت ملکه در آمده‌اند و دیگر اعمال را در بر نمی‌گیرد. باید توجه داشت که نمی‌توان گفت که به همین صورت، تردد در عبارات ملاصدرا را می‌توان برطرف کرد؛ یعنی اعمالی که به صورت ملکه در آمده‌اند به ملاک دوم و بقیه اعمال به ملاک نخست موجب کیفر و پاداش‌اند؛ زیرا در عبارات ملاصدرا قرینه‌ای بر آن نمی‌توان یافت.

ملاصدرا، چنانکه گذشت، بحث خود را با شکل‌گیری ملکات و نقش‌بستن آنها در لوح نفس آغاز می‌کند که ملکات، آثار افعال و اعمال و عقاید ما هستند و بروز و ظهور حقیقت نفس را نشر نامه عمل دانسته است. البته، او گاهی نیز از ثبت اعمال و عقاید سخن به میان آورده است. با این وصف در عبارات او بر ثبت و ضبط اعمال و اندیشه‌ها، آثار آن‌ها و نیز ملکات تصریح شده است و در مجموع به نظر می‌رسد که مراد او جمع میان این سه امر است؛ زیرا افرون بر اشاراتی که در الحکمة المتعالیه به این امر دارد در تفسیر خود و ذیل آیه شریفه «لیرو اعمالهم» (سوره زلزال، آیه ۶) تأکید کرده است که برخلاف برخی که در این آیه جزاء را در تقدیر دانسته‌اند برای اهل

تحقیق ثابت شده است که صور اخروی، صورت‌های قلبی اعمال و نیات باطنی افراد است و آن صور چه دردآور و چه لذت آور باشند هم اکنون در باطن افراد تحقیق دارند، ولی مستور و مخفی‌اند و به دلیل خفا و ضعف آن‌ها آثار بر آن‌ها بار نمی‌شود و سرای آخرت سرای ظهور و بروز آن‌ها است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۳۵-۴۳۶).

چنان‌که ملاحظه می‌شود مراد ملاصدرا ثبت و ضبط تنها ملکات نیست، بلکه اعمالی که به سرحد ملکات هم نرسیده‌اند در نامه عمل نوشته می‌شوند. او در ادامه همین بحث چنین اظهار می‌کند که انسان پس از بعث همه اعمالی را که انجام داده است در میزان عمل یا کتابی که هیچ کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده است، مشاهده می‌کند. و آن کتاب، یا صحیفه ذات اوست یا صحیفه‌ای بالاتر (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۳۷).

در مجموع تبیین صدرای از نامه عمل از این حیث آشفته به نظر می‌رسد. اگر مراد او بازتاب اعمال، اندیشه‌ها و ملکات نفسانی در نفس است آغاز بحث با ملکات و تأکید بیش از حد بر آن‌ها وجهی نخواهد داشت.

۱. ملاصدرا در بحث نامه عمل، ملکات حاصل از تکرار اعمال را ثابت دانسته و خلود در عذاب را از این طریق توجیه کرده است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۹). این امر با آن‌چه او در بحث سعادت و شقاوت مبنی بر زوال هیئت حاصل از انجام اعمال مطرح کرده (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۳۴-۱۳۵) ناسازگار می‌نماید؛ زیرا تیجه زوال هیئت‌ها موقتی بودن عذاب نخواهد بود.
۲. در تبیین صدرای از نامه عمل در چند مورد از موجودات عقلی و یا صحائف بالاتر سخن به میان آمده است. نخست آنجا که ملاصدرا از نویسنده‌گان نامه عمل یاد می‌کند و با الهام از قرآن کریم آن‌ها را کرام الکاتین می‌نامد که فرشتگانی منزه از پستی جسمانیت و در ذات و فعل مجرّدند. مورد دوم آنچاست که ملاصدرا سخن از ثبت اعمال در صحیفه‌ای بالاتر از نفس به میان آورده و به آیات شریفه «فی صحف مکرمه مرفوعه مطهره بایدی سفره کرام برره» استشهاد کرده است. و سومین مورد آنجا که ملاصدرا در تفسیر خود از استتساخ نامه‌های اعمال از صحیفه‌ای بالاتر سخن می‌گوید که به عقیده او صور همه ممکنات را به صورت اعلی و برتر در خود دارد. به نظر می‌رسد که تبیین ملاصدرا از ربط و نسبت نامه اعمال با موجودات عقلی دارای ابهاماتی است. برخی از این ابهامات عبارت‌اند از:

۱. بر اساس تبیین صدرایی از نامه عمل چه نیازی به نویسنده نامه وجود دارد. اگر هر انسانی عملی را که انجام می‌دهد تأثیری در نفس دارد و اعمال در نفس نقش می‌بندند و در آخرت حقیقت نفس بروز و نمود می‌یابد، فرشتگان در ثبت اعمال و ملکات چه نقشی ایفا می‌کنند که شایسته نام نویسنده‌اند و از اساس چه نیازی به آنهاست.
۲. تأثیر هر یک از اعمال ما در صحیفه‌ای بالاتر که ملاصدرا مدعی آن است، دقیقاً چه معنا است. آیا این تأثیر با تأثیر در نفس از یک نوع است یا آن که دو نوع متفاوت از تأثیرند. آیا مراد از تأثیر در صحیفه بالاتر، علم آن‌ها به اعمال ماست یا تأثیری فراتر از آن. مراد از این صحائف نیز آیا علل بالاتر از نفس است یا موجودات دیگری که در سلسله علل نفس انسان نمی‌گنجند.
۳. ملاصدرا مدعی است که نامه‌های اعمال ما از صحیفه بالاتری استتساخ می‌شوند. با توجه به این که به عقیده ملاصدرا نامه‌های اعمال همان لوح نفس است که اعمال در آن ثبت و ضبط است استتساخ لوح نفس از لوحی عالی‌تر چگونه قابل فهم است و آیا چنین امری موهم جبر نیست.

ب) نقد بیرونی: سازگاری / ناسازگاری با آموزه‌های دینی

۱. ملاصدرا تصریح کرده است که حقیقت ملکات همان ملک و شیطان در زبان دین است. او در تعلیل مدعای خود می‌نویسد: «لأن المحقق عندنا إن الملکات النفسانية تصير صوراً جوهرية و ذاتاً قائمة فعاله في النفس تعيناً و تعذيناً...». اولاً، این مدعای که مراد از ملکات همان ملک و شیطان در زبان دین است نیازمند اثبات است بهویژه که شواهد قرآنی و روایی ملاصدرا که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، ناظر به انجام اعمال است نه تکرار اعمال که در تیجه آن ملکات حاصل می‌شوند. از این‌رو، مبدئی که ملاصدرا آن را مطرح می‌کند هرچند در زبان حکما حاصل از تکرار عمل باشد، ولی در زبان دین این گونه نیست.
- ثانیاً، او از صورت‌های جوهری حاصل‌آمده از ملکات، با تعبیر «قائمه فعاله في النفس» یاد کرده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج. ۹، ص ۲۹۳) و بر این عقیده است که موجودات اخروی نظیر حوریان، قصرها، درختان، و... در ردیف صور معلق یعنی موجودات مثالی‌اند و از این‌رو، از حیات ذاتی برخوردارند- برخلاف موجودات دنیوی که آن‌ها را دارای ماده جسمانی می‌دانند که صورت

یا نفسی از خارج بر آن‌ها عارض شده و اجسام حیوانی آن‌ها دارای حیاتی عرضی است. از سوی دیگر او تأکید می‌کند نفس انسان با همه آن‌چه به آن تعلق دارد یعنی حور و ... موجودی واحد و به یک حیات زنده است، اما در عین حال که از وحدت شخصی برخوردار است به لحاظ صور متکثر است. بنابر این حاصل سخن او این است که ملکات نفسانی، صور معلق و موجودات مثالی را در نفس انسان انشاء می‌کنند و در نتیجه ثواب و عقاب هر کسی بیرون از وجود او نیست و چنین مبنایی با ظواهر دینی سازگار به نظر نمی‌رسد.

۲. ارائه هر تبیینی از نامه عمل مستلزم نگاه جامع به همه اطراف مسئله و دیگر آموزه‌های دینی مرتبط با آن است، اما به نظر می‌رسد در این تبیین برخی آموزه‌های دینی مد نظر قرار نگرفته است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

(الف) نامه‌های اعمال امت‌ها: در قرآن کریم افزون بر نامه عمل هر فرد در قیامت که از جمله آیه‌شریفه «و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه و نخرج له یوم القیامه کتابابالقاه منشورا» به آن اشاره دارد(سوره اسراء، آیه ۱۳). از دو نامه دیگر نیز سخن به میان آمده است یکی نامه عمل هر یک از امت‌ها(سوره جاثیه، آیه ۲۸) و دیگری نامه عملی که پرونده همه انسان‌ها شمرده می‌شود(سوره کهف، آیه ۴۹ و سوره نبأ، آیه ۲۹). تبیین ملاصدرا از نامه عمل بر فرض پذیرش تنها نامه عمل فردی را در بر می‌گیرد و تبیینی از دو نامه دیگر به دست نمی‌دهد.

(ب) شهادت اعضا و جوارح: براساس آیات و روایات خداوند در قرآن اعضا و جوارح انسان را به شهادت می‌طلبید. این شهادت به دوگونه است: شهادت قولی و شهادت عینی. شهادت قولی نظیر آیه‌شریفه «لم شهدتم علينا قالوا انطقنا اللہ الذی انطق کل شیء»(سوره فصلت، آیه ۲۱) و شهادت عینی این است که گزارش از مشهود با ذات وجود است نه گفتار و کردار. چنانکه مفسران ذیل آیه‌شریفه یوم ینفح فی الصور فتاون افواجا(سوره نبأ، آیه ۱۸). این حدیث نبوی را نقل کرده‌اند که عده‌ای در قیامت به صورت حیوان محشور می‌شوند(طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰.۹، ص ۶۴۲)؛ یعنی تمامی هستی شان بر خلق و خویشان شهادت می‌دهد. اگر کسی به صورت سگ محشور شود هستی او حاکی از درنده خوبی اوست و اگر به صورت موجه باشد هستی او شاهد طماع بودن اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۹۱-۳۹۳). با توجه به این نکته اگر نامه اعمال صحیفه نفس انسان باشد لازم است دست کم توجیه دقیق و درستی برای شهادت قولی اعضا و

جوارح اقامه شود. و اصولاً وجه نیاز به این شهادت روشن گردد بهویژه که این شهادت بر اساس برخی روایات تنها اهل عذاب است و کسانی که نامه عمل آنها به دست راست ایشان داده می‌شود شهادت اعضا و جوارح ندارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲).

ج) احکام قرآنی اعمال در نظام کیفر و پاداش اخروی: در قرآن کریم احکام خاصی برای اعمال انسان‌ها و چگونگی محاسبه آن‌ها در آخرت بیان شده است و روایات متعددی نیز به آن پرداخته که از مسلمات دینی به شمار می‌روند. از جمله این احکام موارد زیر است:

۱. گناهانی مانند قتل موجب انتقال حسنات صاحبیش به دیگران می‌شود (سوره مائدہ، آیه ۲۹). در روایت است که پیامبر (ص) فرمود: در روز قیامت بنده‌ای را که کارهای نیکی انجام داده می‌آورند، ولی در نامه اعمالش چیزی دیده نمی‌شود، می‌پرسد: پس کجاست کارهای خوبی که در دنیا انجام دادم؟ گفته می‌شود: با غیبتی که از مردم کردی ازین رفت و در عوض به آن‌ها داده شد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۲. گناهانی مانند گمراه کردن مردم، موجب انتقال مثل گناه غیر به انسان می‌شود (نه عین آن) (نحل: ۲۵) و نیز طاعاتی منتقل کننده مثل حسنات دیگران به انسان‌اند (نه عین آن) (سوره يس، آیه ۱۲).

۳. برخی گناهان موجب دو برابر شدن عذاب و برخی طاعات موجب دو برابر شدن ثواب‌اند (سوره اسراء، آیه ۷۵؛ سوره احزاب، آیه ۳۰؛ سوره بقره، آیه ۲۶۱؛ سوره حديد، آیه ۲۸).

۴. پاره‌ای از حسنات موجب تبدیل سیئات به حسنات‌اند (سوره فرقان، آیه ۷۰).

۵. پاره‌ای از حسنات و هم‌چنین گناهان موجب می‌شود که نظیرش به دیگری برسد (سوره طور، آیه ۲۱).

۶. اجتناب از گناهان کثیره باعث محو سیئات است (سوره نساء، آیه ۳۱).

بنابراین تأمل در آیات قرآنی و روایات ناظر به آن‌ها نشان می‌دهد که اعمال انسان‌ها از حیث مجازات اخروی نظامی غیر از نظام اعمال در دنیا است؛ به عنوان مثال در دنیا نمی‌توان تصور کرد که کسی غذا بخورد، ولی دیگری سیر شود یا غذای خاصی را بجود، ولی غذای دیگری جویده شود، اما در قیامت بر اساس آیات فوق ممکن است عملی از کسی سر زند، ولی به دیگری مستند شود یا حکم شود که حسنات کسی از آن دیگری است (نک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۷۵-۱۷۲).

اکنون به تبیین ملاصدرا از نامه عمل بازمی‌گردیم. براساس این تبیین چگونه می‌توان این آیات متعدد و روایات هم مضمون را فهم کرد. اگر اعمال و رفتار و سخنان ملکه راسخ در نفس انسان می‌شوند و نامه عمل انسان و مکشوف شدن آن موجب عذاب و پاداش می‌گردد چگونه تبدیل حسنات به سیئات و انتقال اعمال یا کیفر و پاداش آن‌ها به دیگران متصور خواهد بود. و چگونه می‌توان میان تبیین صدرای با آموزه‌های اسلامی در باب اعمال انسان را با نظام کیفر و پاداش اخروی قرآن جمع کرد.

نتیجه‌گیری

ملاصدرا براساس برخی مبانی فلسفی خود نظری اتحاد عالم و معلوم، حرکت جوهری، وحدت حقیقت ملک و شیطان با ملکه و تبیین تفاوت ماهوی دنیا و آخرت، حقیقت نامه عمل را قلب و روح انسان دانسته است. این نظریه ثمراتی ارزشمند نظری تبیین مسئله خلود در جهنم و نیز تبیین عدل جزایی خداوند دارد اما با توجه به تحلیلی که ارائه شد نمی‌توان آن را تبیین موفقی در مسئله نامه عمل به شمار آورد؛ زیرا اولاً در عرضه به نظام فلسفی خود ملاصدرا با پرسش‌ها و ابهامات متعددی رویه‌رو است. ثانیاً به نظر می‌رسد توفیق چندانی در ایجاد هماهنگی با آموزه‌های دینی در زمینه نامه عمل نداشته و از این‌رو، نیازمند تکمیل و اصلاح است.

فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه: الهی قمشه‌ای.
- حسن بن محمد دیلمی. (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب. (ج ۱). قم: الشریف الرضی.
- عبدالله جوادی آملی. (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم. (ج ۱۳). قم: اسراء.
- فضل بن حسن طبرسی. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان. (ج ۱۰-۹). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- محمد بن یعقوب کلینی. (۱۴۰۷ق). الکافی. (ج ۲). تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۳ق). معادشناسی. (ج ۷). مشهد: نور ملکوت قرآن.
- طباطبائی، سید محمد حسین (علامه طباطبائی). (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ سوم، ج ۲). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، سید محمد حسین (علامه طباطبائی). (۱۳۹۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ دوم، ج ۷). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. (چاپ دوم، ج ۱، ۴، ۵ و ۷). قم: بیدار.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۹۸۱م). الحکمه المتعالیه. (چاپ سوم، ج ۹). بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۰). اسرار الایات و انوار البینات. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۶). الشواهد الربویه فی المناهج السلوکیه. سید جلال الدین آشتیانی. (چاپ چهارم). تهران: مؤسسه بوستان کتاب.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۴۲۰ق). مجموعه رسائل فلسفی. (چاپ دوم). تهران: حکمت.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۴۲۲ق). شرح الهدایه الاثیریه. (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه التاریخ العربي.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن. (چاپ نهم، ج ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. (چاپ دهم، ج ۱۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.